

# موسیقی ایرانی و اسناد تاریخی معاصر ۲

اسناد مدرسه موزیک: ۱۳۰۱-۱۳۰۳

سید علیرضا میرعلی نقی

## مقدمه

در شماره پیشین این سلسله مقالات، نمایی بسیار کلی از کمبودها، موانع، بازیافتنیهایی که در راه تهیه و تدوین تاریخ موسیقی معاصر ایرانی<sup>۱</sup> وجود دارد، ارائه شد. در مقاله حاضر، می‌کوشیم، برخی از علل مطرح شده را تا حدودی روشن سازیم، و بحث جامع و مانع را در این باره به مقاله مفصلتری وامی‌گذاریم.

به احتمال قریب به یقین، مجموعه اسناد و مدارک موسیقی در مخزن سازمان اسناد ملی ایران، کمترین حجم را نسبت به موضوعات دیگر دارد، که آن هم شامل اوراق پراکنده‌ای است که «باری به هر روی و به هر جهت» از این سو و آن سو گردآوری شده و فقط برای کسی مفید است که از سر عشق به موسیقی در پی کشف نقاط مبهم تاریخ موسیقی معاصر باشد. برای چنین کسی، بازیابی و بازخوانی اسناد موسیقی، تأیید کننده و یا تکذیب کننده یافته‌هایش است. از این رو گردآوری و ذخیره همین مقدار اندک اسناد و مدارک نیز غنیمت است و امید که در آینده هر چه گسترده‌تر و غنی‌تر شود.

سازمان اسناد ملی ایران قادر است کارشناسان علاقمند و یا دست اندرکاران آشنا را به جمع‌آوری یا



سید علینقی وزیری

اصطلاحاً «بازیابی» اسناد و مدارک موسیقی معاصر ایران که در کنج گنج‌ها و پستوهای خانه‌ها در حال پوسیدن است. بگمارد. چه بسیار از این مدارک گرانبهایی که بر اثر بی‌مبالاتی صاحبان آنها در طول زمان فرسوده شده و از دست رفته است و گاه بازماندگان نالایق میراثی ارزشمند را به هیچ انگاشته و به ورطه جبران ناپذیر «انهدام» افکنده‌اند.

محقق علاقه‌مندی که به کار خود عشق می‌ورزد، هرگز بدون دستیابی به مدارک معتبر، نمی‌تواند پژوهش عمیق و دقیقی انجام دهد؛ همچنین محقق توانا و مجهز به مدارک معتبر نیز بدون عشق و دل‌سپردگی از عهده تحقیقی جامع و دقیق برنمی‌آید. برای هر دو

گروه از محققین، داشتن «بینش» ذاتی یا اکتسابی ضروری است. دانش بدون بینش، فقط باری سنگین و آزاردهنده خواهد بود و همین جانمایه اعظم است که متفکران را از هنرمند، انبان اطلاعات را از دانشمند و نقال و روایت باف و... (که در تاریخ معاصر کم نیستند) را از مورخ حقیقی، تفکیک می‌کند.

در سلسله مقالات «موسیقی ایران و اسناد تاریخی»، از این شماره، به شرح و توضیح برخی اسنادی که در سازمان اسناد ملی ایران در این باره وجود دارد، می‌پردازیم. در این راه به مواردی اشاره می‌کنیم که به دلایل مختلف در اسناد مشخص نشده است. البته عدم بررسی کامل این گونه اسناد تاکنون، کار ما را مشکل می‌کند؛ در شرح موارد مبهم، نزدیکترین و معتبرترین قول را انتخاب کرده‌ایم و تا حد امکان به تأخذ معتبر (هر چند دور از دسترس) ارجاع داده‌ایم. ترتیب اسناد بر اساس تاریخ است و حلاله یا «پرسی» که در میان برخی تواریخ مشاهده می‌شود، به علت نقص ذخیره اسناد است و نه وقفه در سیر تاریخی موسیقی معاصر ایران، زیرا موسیقی معاصر ایران، در این ۸۰ سال، به اندازه تمام سابقه ۸۰۰ ساله خود قابل بحث و تحقیق است که از عهده یک تن بر نمی‌آید.

## سالهای ۱۳۰۱-۱۳۰۳ و فارغ التحصیلان مدرسه موزیک

در سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۵ سالهای گذر از نظام کهن سنتی قاجاریه به نظام مدرن در سلطنت پهلوی، موسیقی به زوال همیشگی خود نکلن با شتابی کندتر به راه خود ادامه داد. اصولاً سیر تحول موسیقی در هر دوره تاریخی و در هر کشوری، از هنرهای دیگر مانند شعر و داستان و نمایشنامه و نقاشی، بطنی تر اما عمیقتر است. تا سال ۱۳۰۳ (اندکی پس از اینکه عینقی وزیر مدرسه عالی موسیقی را تأسیس کرد) موسیقی در ایران، دو شاخه اصلی داشت: نخست، موسیقی کهن سنتی (ردیف دستگاهی) که بر پایه هفت دستگاه موسیقی قدیم ایران بود که با مساعی دانشمندانی چون میرزا عبدالله فراهانی<sup>۴</sup> استاد تر و سه تار (ش ۱۲۹۷ - ۱۳۲۲) از موسیقی های مقامی (متعلق به نواحی مختلف ایران) اخذ شده و با تمهیدات ظریف و پیچیده هنری، هویت مستقل هنری یافته و جزئی از فرهنگ رسمی هنر ایران شده بود. این موسیقی که اساتید بزرگ در مراکز خصوصی شهرهایی مانند تهران و اصفهان و تبریز و قزوین تدریس می کردند، جزء لاینفک دستگاه و دربار پادشاهان و شاهزادگان قاجاری که عموماً به موسیقی علاقه داشتند<sup>۵</sup>، به شمار می رفت، دوم، موسیقی اروپایی با اصطلاح جدید «موزیک»<sup>۶</sup> بود که پس از ورود ژان پاپتسیت لومر<sup>۷</sup> J.B.Lemaire به دربار ناصرالدینشاه به منظور برپایی «موزیک نظام» رایج شد که هنوز هم موسیقی ارتش، پیرو همان نظام و همان نحوه آموزشی است. شاگردان شاگردان لومر (یعنی نسل سوم بعد از لومر) که در حال حاضر از معمرین به شمار می آیند، دقیقاً تجسم همان وضع «موزیک نظام» در سنوات پیش هستند<sup>۸</sup>

که با مقایسه دقیق به راحتی روشن می شود. این دو شاخه تا سال ۱۳۰۳<sup>۹</sup>، هر کدام راه اصلی خود را بدون اختلاط با دیگری ادامه می دادند و نظر به نظم و اصالت ویژه ای که داشتند، ثمرات نیکو و نتایج خوبی به بار آوردند که در سامان یافتن وضع آشفته موسیقی در دهه های بعد نقش مؤثری داشت. گروه اول، پاسدار میراث فرهنگ و هنر سرزمین خود بودند که هر چند از لحاظ غنا و عظمت، قابل مقایسه با ادوار پیشین نبود، لیکن از اصالت و انتظام هنری و آبروی «بیس الخواص» برخوردار بود که با مساعی بزرگانی مانند میرزا عبدالله، میرزا حسینقلی<sup>۱۰</sup>، حبیب الله سماع حضور<sup>۱۱</sup>، مهدی صلحی منتظم الحکماء<sup>۱۲</sup> و بالاخره مخیر السلطنه هدایت<sup>۱۳</sup> بانی و مؤلف نخستین اثر بالنسبه معتبر در موسیقی<sup>۱۴</sup> ایران، به تدریج هویت هنری خود را می یافت که البته چنین نشد و موسیقی در سالهای بعد، عملاً به راه دیگری افتاد. گروه دوم که شامل موزیک نظام، شاگردان لومر، اصحاب موزیک دارالفنون و بالاخره دستاران موسیقی کلاسیک اروپایی بود، منحصرأ به شیوه کار خود که مفید به قوانین منسجم موسیقی اروپا می شد، می پرداختند و تحت تأثیر برداشتهای هنری نسبتاً صحیح زمانه خود، از اختلاط و التقاط کورکورانه این دو (که بعدها تحت عناوین «تجدد»، «نوگرایی» و «هماهنگی با زمان» و... باب شد) پرهیز می کردند و ماحصل کارشان، کارشناسان با تجربه و سرپرستان کاردانی بود که سامان بخش اوضاع آشفته موسیقی در دهه های بعد بودند. لازم به تذکر است که افراد مجرب و اصیل هر دو گروه از شیوه هنری گروه مقابل خود بی اطلاع نبودند و گاه بر سبیل تفنن، آثاری به شیوه آنها می ساختند. <sup>۱۵</sup> کما اینکه نوازندگان استادی نظیر دوریش خان<sup>۱۶</sup> و موسیقی

شناسان با بصیرتی مانند مهدی صلحی منتظم الحکماء و یا مخیر السلطنه هدایت<sup>۱۷</sup> از خصلت موسیقی اروپا مطلع بودند و گاهی در این امور، تفننی نیز داشتند، لیکن در کار جدی و رسمی خود، همان اصالتهای خاص را در نظر داشتند و اگر تواردی در کار بود، با رعایت دقیق و عمیق موازین هنری انجام می شد. موسیقی شناسان و سرپرستان دانشمندی نظیر غلامرضاخان سالار معزز<sup>۱۸</sup> (مین باشیان) نیز موسیقی ردیف دستگاهی را به خوبی می شناختند، و برخی از آنها ضمن اینکه به یک ساز سنتی<sup>۱۹</sup> آشنایی داشتند و نزد اساتید معتبر این فن «مشق» کرده بودند، بر اساس نغمه های موسیقی ایرانی آثاری به شیوه موسیقی غربی ساختند.<sup>۲۰</sup>

مرور این سابقه، وضعیت موسیقی را در «مدرسه موزیک» به ریاست غلامرضاخان سالار معزز (مین باشیان) که پاره ای از اسناد آن موجود است، ترسیم می کند. روح الله خالقی در جلد اول کتاب سرگذشت موسیقی ایران، بخش «موسیقی نظامی (نقاره خانه - مدرسه موزیک) می نویسد<sup>۲۱</sup>: «... شعبه موزیک دارالفنون خدماتی برای تأسیس دستجات موزیک نظام به جای آورد. در سال ۱۲۹۷ ش (۱۹۱۸ م) که تشکیلات جدید فرهنگی داده شد، این قسمت هم به سازمان وزارت معارف (و اوقاف و صنایع مستظرفه) ملحق گردید و مدرسه موزیک نام یافت و یک مدرسه اختصاصی متوسط شناخته شد و شرط ورودش، داشتن گواهینامه ابتدایی و دوره آن هم پنج سال بود. حالا ببینیم که این آموزشگاه چه اثری در موسیقی ما داشت. البته می دانید که منظور از تأسیس آن، تربیت کردن، افسر برای دستجات موزیک نظام بود. بنابراین شاگردان باید طوری آماده شوند که بتوانند یک دسته موزیک را اداره کنند. پس علاوه بر تعلیمات مقدماتی

مانند نثوری موسیقی و سلفژ<sup>۲۳</sup> و دیکته موسیقی<sup>۲۴</sup>. باید به هماهنگی<sup>۲۵</sup> و سازشناسی<sup>۲۶</sup> و ارکستر شناسی<sup>۲۷</sup> موسیقی نظام هم آشنا شوند و لاقفل یکی از سازهای بادی را بنوازند. از این گذشته، چون دستجات موزیک به تدریج ارکستر آلات<sup>۲۸</sup> زهی و ارکستر با لالایکا<sup>۲۹</sup> هم پیدا کرده بود، فارغ التحصیلان مدرسه باید بتوانند یک ارکستر آلات سیمی یا زهی را اداره کنند. پس لازم بود که به یکی از این سازها هم آشنا شوند. نواختن پیانو<sup>۳۰</sup> هم تا درجه ای برای این قبیل اشخاص ضرورت داشت. البته با این همه کار، فرصتی نبود که بتوانند به فراگفتن موسیقی ایرانی و ردیف آوازاها بپردازند.

شاگردانی که سازبادی می زدند توجهی به فراگرفتن موسیقی ایرانی نمی کردند زیرا نواختن آن روی آلات بادی<sup>۳۱</sup>، کار آسانی نبود<sup>۳۲</sup>. تنها کسانی که سازهای زهی (مخصوصاً ویولون)<sup>۳۳</sup> می زدند کمی با موسیقی ملی<sup>۳۴</sup> آشنا می شدند ولی به واسطه محدود بودن دوره تحصیل و کمی فرصت، هیچکدام در موسیقی ایرانی اطلاعات کافی پیدا نکردند، اما برای منظور اصلی که اداره یک دسته موزیک نظامی بود، به خوبی آماده شدند. چنانکه به محض فراغ از تحصیل با درجه افسری به کار مشغول می شدند. اگر دسته موزیک افسر تحصیل کرده ای داشت، آنها معاون او می شدند و بعد به ریاست دسته های موزیک نائل می آمدند. در دوره افسری هم اوقات آنها به تعلیمات فنی صرف می شد. پس توجهی به این قسمت نبود که موسیقی ملی ایران هم باید راه تحولی در پیش گیرد.<sup>۳۵</sup>

در این اواخر [دهه ۱۳۰۰] ش [رسم شده بود هر که شاگردی بخواهد دوره مدرسه را تمام کند باید علاوه بر گذراندن امتحان، یک آهنگ

مارش<sup>۳۶</sup> هم بسازد و آن را مطابق قواعد علمی هم آهنگ کند<sup>۳۷</sup> و در روز جشن فارغ التحصیلی، یک دسته موزیک را رهبری<sup>۳۸</sup> نماید. من [خالقی] در سال ۱۳۰۵ که چندتن از این مدرسه فارغ التحصیل می شدند و با یکی از آنها دوستی داشتم، در این جشن حضور یافتیم. هر یک از دیپلمه ها یک قطعه موسیقی اروپایی را با ساز تخصصی<sup>۳۹</sup> خود می نواخت که توسط یکی از معلمین، به وسیله پیانو پشتیبانی<sup>۴۰</sup> می شد. بعد، ارکستر مدرسه، پیش در آمد ماهور رکن الدین خان<sup>۴۱</sup> را که برای ارکستر هماهنگ شده بود، نواخت.<sup>۴۲</sup> سپس حضار به فضای آزاد هدایت شدند و مارشهای ساخته شده فارغ التحصیلان را قبلاً نواخته و آماده کرده بود، آهنگها را به هدایت<sup>۴۳</sup> هنرجویان دیپلمه نواخت، و در این سال چهارتن از این مدرسه گواهینامه گرفتند...»

همانطور که ملاحظه می شود، خالقی فقط به جشن فارغ التحصیلان سال ۱۳۰۵ اشاره کرده و از سالهای قبل ننوشته است، زیرا اصولاً علاقه های دیگری داشت و اگر مطلبی هم در شرح و اشارت به مدرسه موزیک وزارت معارف دارد، ناشی از برخوردها و گذرهای اوست، لیکن در پی مطالب فوق چند سطر درباره اسامی فارغ التحصیلان مدرسه موزیک دارد که در این مقاله، در جای خود از آن استفاده کرده ایم.<sup>۴۴</sup>

از رونوشت گواهینامه های فارغ التحصیلان مدرسه موزیک، چهار برگه در سازمان اسناد موجود است که متعلق به سه نفر از فارغ التحصیلان مدرسه است. در این اوراق، فقط نام کوچک و نام پدر افراد ذکر شده است، زیرا اختیار کردن نام فامیل و حذف القاب، پس از استقرار سلطنت پهلوی صورت قانونی یافت. دو رونوشت (متعلق به سید احمدخان و داودخان)

تاریخ ندارد و رونوشت سوم و چهارم (که نویسنده آن «مرتضی سمیعی» است) به تاریخ سرطان ۱۳۰۱ است و گمان می کنیم که دو رونوشت اول نیز متعلق به همین دوره باشد:

### دولت علیه ایران وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تصدیق می نماید که سید احمدخان ولد آقا سید رضاخان که سن او ۲۱ سال و محل اقامت او طهرانست، دوره تحصیلات شش ساله مدرسه موزیک را به پایان رسانیده و از عهده امتحانات برآمده و نمرات امتحانات مشارالیه در ورقه جداگانه که از مدرسه فوق الذکر در دست دارد مشروحاً مندرج است و این ورقه بر سبیل تصدیق نامه رسمی از طرف این وزارت خانه به مشارالیه اعطا می گردد.

امضاء وزیر معارف و اوقاف  
امضاء

متن فوق، درباره چهار نفر صادر شده است که اسامی آنها عبارت است از:

(الف) سید احمدخان، ولد آقا سید رضاخان.

(ب) داود خان، ولد میرزا حسین خان.

(ج) محمود آقا، ولد کن محمد بیگ.

(د) حسین آقا، ولد آقا میرزا عبدالله.

(الف) سید احمدخان ولد آقا سید رضاخان، سرهنگ احمد نورانی بود که از فارغ التحصیلان دوره دوم به شمار می رفت و تا اوایل دهه ۱۳۴۰ ش، ریاست شعبه موزیک را در رکن

سوم سند ارتش بر عهده دانست و تشکیلات موزیک ارتش زیر نظر او اداره می شد.<sup>۴۵</sup>

ب) داوودخان ولد میرزا حسین خان، داود نجمی از فارغ التحصیلان دوره اول است که به نواختن قره نی (Clarinet) نیز آشنایی داشت و سازنده سرود شاهنشاهی در عصر پهلوی است. شرح چگونگی تهیه این سرود در کتاب تاریخ موسیقی نظامی ایران آمده<sup>۴۶</sup> و نت آهنگ آن، به همراه کلام محمد هاشم میرزا افسر بارها در کتب مختلف سرود به چاپ رسیده است.

ج) محمود آقا وند کل محمد بیگ (تنها فرد ۱۹ ساله در بین این چهار نفر که یک سال زودتر به تحصیل پرداخته است)، محمود ایروانی بود که بعدها به ریاست ارکستر مدرسه موزیک رسید و در مدرسه، سنتر نیز تدریس می کرد. وی در نواختن ویولون مهارت داشت، و در اوایل دهه ۱۳۳۰ در گذشت.<sup>۴۷</sup>

د) حسین آقا وند آقا میرزا عبدالله شناخته نشد. بنا بر نوشته حائقی در فهرست فارغ التحصیلان مدرسه موزیک، در دوره اول، دو نفر به نامهای حسین لطفی و حسین نعمیان<sup>۴۸</sup> هستند که از هیچ کدام اثری در دست نیست.

در حال حاضر، تنها متن مکتوب و معتبری که درباره مدرسه موزیک، موسیقی ارتش (نظام) در ایران و به خصوص خدمات غلامرضا خان سالار معزز (مین باشیان) در دست است، کتاب تاریخ موسیقی نظامی ایران اثر محقق ارجمند، آقای حسینعلی ملاح



(۱۳۰۰) است که مدتهاست در زمره کتب نایاب قرار دارد. اقوال دیگر در این باره، در سینه بازماندگان آن دوره نهفته که برجسته ترین آنها، حسن رادمرد<sup>۴۹</sup> (۱۳۵۷ - ۱۲۸۵ ش) است. رادمرد نه تنها از صاحب ذوقان این رشته بود و سرودهای زیبا و استواری در زمینه های مختلف ساخته است. نت آهنگ و کلام سرودهای او در دفاتر مختلف چاپ شده است. آخرین آنها نیز رضا گلشن راد (۱۲۹۸ - ۱۳۶۹) از شاگردان محمود ایروانی بود که شاید خاطرات خود را نگاشته باشد.<sup>۵۰</sup>

سند دیگری که در دست نگارنده است، بدون تاریخ و به خط غلامرضا خان سالار معزز، رئیس مدرسه موزیک، است. ارتباط موضوعی این سند با دیگر اسناد موجود معلوم نشد و گرنه شاید می توانستیم تاریخ تقریبی این سند را تخمین بزنیم.

### فئادنامه و رودی محصلین به مدرسه موزیک

۱ - شاگرد باید دارای تصدیقنامه شش ساله ابتدائی باشد.

۲ - دارای مزاج سالم و بنیه قوی و به هیچ وجه مبتلا به امراض مسری نباشد.

۳ - بیشتر از ۱۵ سال نداشته باشد.

۴ - پس از آنکه محصل برای ورود به مدرسه قبول شد، باید به موجب نوشته شخصاً تعهد نماید که در مدت شش ساله که دوره تحصیلات علم موسیقی است، به هیچ اسم و رسمی از مدرسه خارج نشود. ماهی پنج تومان به عنوان خسارت به وزارت جلیقه معارف بپردازد.

۵ - ولی محصل باید ضمانت نوشته شاگرد را بنماید.

۶ - نوشته و ضمانت ولی محصل بایستی به تصدیق کمیاریا<sup>۵۱</sup> برسد.

۷ - محصل پس از دادن نوشته که به ضمانت ولی خود و به تصدیق کمیاریا رسیده است جزو محصلین رسمی مدرسه محسوب می شود.

سرتیپ غلامرضا

رئیس مدرسه موزیک

\*\*\*

اوراق دیگری که با عناوین مدل ۱، ۲، ۳، ۴ موجود است، درباره سرشماری شاگردان مدرسه موزیک در آخر سال تحصیلی سیچقان نیل ۱۳۰۳، صورت موجودی کتابخانه مدرسه موزیک، پرسنل اعضاء و بودجه مدرسه موزیک (هر دو به همان تاریخ) است که آخرین اسناد موجود سال ۱۳۰۳ به شمار می آید.

در مدل ۱ (احصائیه شاگردان)، مجموعه اطلاعات به شرح زیر است:

شاکردانی که امتحان داده اند	سن شاکردان		عده شاکردان		عده ونوع کلاسهها
	کوچکترین	بزرگترین	مجموع	غیرمجان	
قبولی	داوطلب	بزرگترین	مجموع	غیرمجان	مجان
ندارد	ندارد	۱۶ سال	۱۳	-	۱۳ نفر
-	-	۱۸	۶-	-	۶
-	-	۲۱	۵-	-	۵
-	-	-	-	-	-
-	-	۲۲	-	-	۶
-	-	-	-	-	۳
-	-	-	-	-	-

در مدل ۳، نوع و تعداد اثاثیه مدرسه موزیک درج است که شامل میز شاگردان (پازده عدد)، نیمکت شاگردان (پانزده عدد)، میز معلمها (سه عدد)، صندلی (۵ عدد)، منبر (-)، تخته سیاه (دو تخته بزرگ و یک تخته کوچک)، نقشه جغرافیا (هفت عدد) و نقشه طبیعیات (-) است. صورت اثاثیه متفرقه نیز شامل ۱۷ قلم کالا، از قلم فرانسه تا پیانو است. امضای سالار معزز در زیر فهرستها به چشم می خورد.

مدل ۴ نیز فهرستی شامل ۲۸ قلم جنس ثبت شده، متعلق به سازهای موسیقی اروپایی و ملحقات آنهاست. کار سالار معزز در به کار بردن «کمان» به جای آرشه (Arco/ Bow) با همه کوچکی



— میرزا عبدالله استاد سه تار و تار

ظاهری خود از اهمیت بسیاری برخوردار است. فهرست نشان می دهد که تقریباً ۹۰ درصد موجودی و مایملک مورد نیاز مدرسه، «خراب و استقاط و شکسته و محتاج به تعمیر» بوده است و نشان می دهد که با وجود این «فلج عملی» در ابزار و کار شاگردان مدرسه، فقط عشق

به کار و تعهد به شرافت حرفه ای موجب چنان فعالی بوده است. ۵۲ حال آنکه در دهه های بعد عکس آن رایج شده که نشان دهنده سیر تحول اجتماعی ایران است.

در مدل ۲، تعداد اعضاء و بودجه مدرسه موزیک، اطلاعات زیر درج است:

در این بازنویسی، عناوین «کلاسها و ساعات دروس هفته» «اعده اعضاء خانواده» و «ملاحظات» حذف شده است. همچنین خانه های جدول که برای «مجموع عایدات مدرسه در سال» به دینار و قران و «مجموع مخارج مدرسه در سال» در نظر گرفته شده، در اصل سند خالی است.

\*\*\*

برسنتی اعضاء و بودجه مدرسه موزیک در آخر سال تحصیلی جوزای سچقان ثیل ۱۳۰۳.

نمبره اسامی شخصی	نام خانواده	سن تاریخ ورود به خدمت	تحصیلات	موادی که تدریس می کند
۱	آقای غلامرضا خان سالار معزز	۶۳ ۱۳۲۸ قمری	دردار الفنون	اسباب بادی تناسب موسیقی و انسترومانتاسیون
۲	آقای نصرالله خان	۳۹ ۱۲۹۳	در کنسرواتوار بطروگراد	اسباب زه و پیانو
۳	آقای علی محمد خان	۳۰ اول قوس ۱۳۳۸	در مدرسه دارالفنون و مدرسه طب	حساب و جغرافی و فرانسه
۴	آقای غلامعلی خان	۲۸ بانزدهم سنبله ۱۲۹۷	در مدرسه دارالفنون و مدرسه طب	ادبیات فارسی
۵	آقای دکتر یحیی خان	۲۹ ۱۲۹۵	در مدرسه دارالفنون و مدرسه طب	فیزیک
۶	آقای علی اکبر خان	۲۳ میزان ۱۳۰۲	در مدرسه دارالفنون	فرانسه
۷	آقای شیخ علی خان	۳۶ میزان ۱۳۰۲	...	فارسی کلاس اول
۸	آقای سید محمد تقی	۲۶ میزان ۱۳۰۱	در مدرسه ناصری	مشاق
۹	آقای محمد آقا	۲۲ میزان ۱۳۰۱	در مدرسه موزیک	تناسب موسیقی کلاس دوم
۱۰	آقای سید احمد خان	۲۵ میزان ۱۳۰۰	در مدرسه موزیک	سلفژ
۱۱	میرزا ضیاء الدین	۲۰ میزان ۱۳۰۲	مدرسه موزیک	معلم نثوری
۱۲	مشهدی غلامعلی	۴۹ ۱۲۹۷	-	پیشخدمت

صحیح است  
سالار معزز

اوراق فوق، آخرین اسناد درباره کار مدرسه موزیک تا سال ۱۳۰۳ شمسی است. از کار این مدرسه، تنها یکی دو صفحه گرامافون (و آن هم بر حسب اتفاق و نه ضرورت) پر شده است که آنها هم در دسترس نیست. شنیدن این صفحات و پیش نظر آوردن ما حاصل کوششهای اولیای موزیک نظام، آخرین نمونه های درخشان اعتقاد به شرافت حرفه ای را در میان دولتیان متصدی مشاغل هنری نمودار می کند. مدرسه موزیک، بانیان و فارغ التحصیلان آن، نقش مهمی در مسیر تحول موسیقی معاصر ایران داشتند. بررسی کامل این تأثیر و تحول، چندین جلد کتاب قطور می شود که اگر با نمونه های معدود آثار به جای مانده از آن دوران همراه شود، کمک بسیاری به غت و رشد

بیش تحقیقی در محقق خواهد کرد. تاریخ موسیقی، مقوله ای متمایز از سایر رشته های تحقیق تاریخ است. زیرا موسیقی، به علت ماهیت نتراعی خود، شنیداری بودن مطلق و حس آمیزی عجیب، آن ابزار ویژه و محقق دیگری را می طلبد. موسیقی، آینه تمام نمای روح فرد، جامعه و تاریخ اوست. متون تاریخ موسیقی نیز ضرورتاً بایستی هم به صورت مکتوب و هم مصوت (سمعی - بصری یا شنیداری - نوشتاری به صورت کتاب و نوار کاست) انتشار یابد تا عامل انتقال اندیشه و احساس توأمان به محقق و خواننده علاقه مند باشد؛ و گرنه صرف «تحقیق» به مفهوم عام و کلیشه شده اش، عملاً گره از مشکلی نمی گشاید.

### یادداشتها

۱. در اینجا و در سایر نوشته های نگارنده، «موسیقی معاصر» اصطلاحی برای موسیقی در فاصله صدور فرمان مشروطیت تا اواخر دهه ۱۳۴۰ است. زمینه تحول موسیقی در این دوران، کمابیش متأثر از فعالیتهای روشنفکری انقلاب مشروطه که امروزه به آن «غرب زدگی» می گویند، بود. این زمینه، (صرفنظر از تبیین علل و با ارزشیابی هنری - علمی - فرهنگی که جای آن در این سلسله مقالات نیست) هنوز هم ادامه دارد، لیکن صورت رسمی و منتشر خود را بنا به ضرورتهای زمان، از دست داده است.

۲. مدرسه عالی موسیقی در زمستان سال ۱۳۰۲ تأسیس شد و کار خود را از بهار ۱۳۰۳ آغاز کرد. در سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۵، سال میانگین و

مشاغل خارجی	قران	حقوق		کلاسها ساعات در هفته			
		دینار	مجموع	۱	۲	۳	۴
رئیس کل موزیک فشنون	۱۲۰۰	-	۶ ساعت	۲	-	۳	۴
کل موزیک فشنون	۶۰۰	-	-	-	-	-	-
	۴۵۰	-	-	۴	-	-	۴
معلم مدرسه ثروت	۱۱۸	-	-	۲	-	-	۳
طب بلدیه	۶۲	۵۰۰	-	۱	-	-	۲
-	۱۲۵	-	-	-	-	۳	۴
-	۶۲	۵۰۰	-	-	-	-	۴
-	۴۸	-	-	-	-	-	۲
معاون موزیک فوج رضا پور	۵۰	-	-	-	-	-	۲
معاون موزیک فوج بهلولی	۵۰	-	-	-	-	-	۲
-	۱۵۰	-	-	-	-	-	-

نقطه عطف تحول موسیقی معاصر است. این مدرسه و فرآیندهای فرهنگی آن، در حقیقت نتیجه طبیعی حرکتی بود که منشاء آن را در تأسیسات لومر، موسیقی مدرسه دارالفنون و بالاخره مدرسه موزیک می توان جستجو کرد که از بحث این مقاله خارج است. برای اطلاع بیشتر درباره کلنل علی بنی وزیری (۱۲۶۶ - ۱۳۵۸) و مدرسه عالی موسیقی او رک: روح الله خالقی، سرگذشت موسیقی ایران، تهران، صفیعیان، ۱۳۳۶، ج ۲. ۳. در حقیقت سه شاخه است. شاخه سوم، گنجینه غنی و عظیم موسیقیهای محلی (با اصطلاح «مقامی») است که تا سال ۱۳۳۰ (سال تأسیس رادیو و پیدایش ترکیبات صوتی جدید با عنوان «موسیقی شهری») در نقاط مختلف ایران دست نخورده باقی مانده بود. این نوع موسیقی در عین ارتباط ننگانگ با موسیقی ردیف دستگاهی، از نقاط بی رویه با آن مصون بود و راه تکامل تدریجی خود را با استعانت از شرایط مساعد زندگی طبیعی، در حوزه اقلیمی خود ادامه می داد. برای اطلاع بیشتر رک: سیدعلیرضا میرعلی نقی: گنجینه ای عظیم، شایسته حفاظت. آهنگ (ویژه ششمین جشنواره سراسر موسیقی فجر)، ش ۱، بهمن ۱۳۶۹، صص: ۱۳ - ۱۹.

۴. میرزا عبدالله فراهانی، اسناد ناز و سه تار و مدرس برجسته موسیقی دستگاهی و بانی تحول اساسی هنر موسیقی ردیف است. وی احیا کننده ساز سه تار به شیوه اصولی آن و انتظام دهنده نغمات موسیقی ایرانی به شکل هفت دستگاه اصلی و پنج آواز اصلی است. در بسازه او، رک: روح الله خالقی، سرگذشت موسیقی ایران، تهران صفیعیان، ۱۳۳۱، ج ۱، صص ۱۱۵ - ۱۳۰.

۵. مانند ظل السلطان، صادم آندوله، محمد علی شاه، احمد شاه، مصدق السلطنه و بسیاری دیگر که در رأس آنها

ناصرالدین شاه و مشخصتر از همه، مذک منصور میرزا شجاع السلطنه است که خود به موسیقی بسیار علاقه مند و از آن مطلع بود.

بازه ای از اطلاعات مفید در این باره را از فرزند ایشان، سرکار خانم آذرمیدخت رکنی، نوازنده چیره دست پیانو گرفته ایم که در اینجا از ایشان سپاسگزاری می کنیم. درباره نقش اشراف در موسیقی ایران کتاب مستقلی از نگارنده بزودی چاپ می شود.

۶. این اصطلاح از دوره ورود لومر به ایران باب شد و در سالهای ۱۲۴۰ - ۱۳۰۰ کاملاً رایج شد (با این که هیچگاه حتی با وجود انتشار بیست ساله مجله معتبری با نام «موزیک ایران» هم جا نیفتاد) تاجایی که در مدت زمان کوتاهی از هر نوع موسیقی - از سرنانوازان لرستان تا پارسیفان واگنر - با اصطلاح «موزیک» نام می بردند. اما در موسیقی شبه سنتی جدید ایران (از سال ۱۳۰۵ به بعد) این عبارت را برای شرح نوادهای موسیقی نظام به موسیقی سنتی ردیف دستگاهی به کار می بردند. از جمله استادان فقید، عبدالله سنه دوامی (۱۲۷۰ - ۱۳۵۹) و نورعلی خان برومند (۱۲۸۵ - ۱۳۵۵) در جلسات متعددی که با دکتر هرمز فرمت (۱۳۰۷) کارشناس موسیقی اروپایی و استاد دانشگاه تهران درباره کارها و آثار درویش خان (۱۲۵۱ - ۱۳۰۵) داشتند، از قول شخص درویش و حاج آقا محمد ایرانی مجرد (۱۲۵۱ - ۱۳۵۱) موسیقی شناس برجسته، هر گاه نواردی منهم از موسیقی غرب را می یافتند، آن را با کلمه «موزیک» و «از موزیک آمده» خاطر نشان می ساختند.

۷. درباره لومر و کارهای او رک: سرگذشت موسیقی ایران جلد اول، صص ۲۱۰ - ۲۳۸ و نیز خاطرات اعتماد السلطنه به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۵، صص ۱۰۸، ۱۲۴، ۹۷۷، ۷۸۳، ۹۸۰، ۹۲۰، ۹۲۱، ۱۱۸۴.

۸. از جمله، حسن رادمرد (۱۲۸۵ - ۱۳۵۷) و رضا گلشن راد (۱۲۹۸ - ۱۳۶۹) درباره دومی رک به: سیدعلیرضا میرعلی نقی: «رضا گلشن راد» آینده، ش ۱ - ۴، فروردین - تیر ۱۳۷۰ صص ۱۹۷ - ۱۹۸.

۹. نگاه کنید به شماره ۲.

۱۰ - ۱۳. میرزا حسینقلی فراهانی [شهنازی] اسناد ناز و مدرس برجسته این ساز در موسیقی سنتی قدیم (ردیف دستگاهی) است. وی برادر آقا میرزا عبدالله و پدر اسناد فقید، حاج علی اکبرخان شهنازی (۱۲۷۹ - ۱۳۶۳) است. نداده موسیقی سنتی ایران و ردیف ناز مدیون تدریس مداوم او و تربیت شاگردان زنده است. حبیب الله سماع حضور (۱۲۳۴ - قبل از ۱۳۰۰)، اسناد بزرگ سنتور، شاگرد محمد صادقخان سرور سلک (رئیس) و حلقه ماقبل آخر سلسله سنتور نوازان بزرگ ایران است. وی و برادرش حبیب سماعی (۱۲۸۰ - ۱۳۲۵) احیا کنندگان این ساز در موسیقی ردیف سنتی بودند.

۱۱. دکتر مهدی صلحی منتظم الحکماء (۱۲۴۴ - ؟)، پزشک و نوازنده سه تار، بهترین شاگرد میرزا عبدالله و از سرشناسان ردیف دان و نداهم دهنده روش اصلی هنر سه تار نوازی بود. او به اتفاق مهدی نقی هدایت (مخبر السلطنه) که وی نیز از شاگردان میرزا عبدالله و غیر از تخصص در دیگر شئون و احراز عناوین و متاع سیاسی، از برجسته ترین موسیقی شناسان صد سال اخیر بود، ردیف هفت دستگاه موسیقی ایران به روایت میرزا عبدالله را در مدت هفت سال (در طی دوره زمامداری مخبر السلطنه در فارس) به خط نیت مخصوص مخبر السلطنه نگاشتند که اصل آن نزد یکی از اساتید دانشگاه تهران موجود است. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره اشخاص فوق رک به سرگذشت موسیقی ایران، ج ۱.

۱۲. مجمع الادوار (دوره موسیقی

تهران شانزده نوبت) که در سال ۱۳۰۸ در تهران به صورت چاپ سنگی طبع شد و سپس مرحوم دکتر مهدی برکتلی (۱۲۹۱-۱۳۲۶) آن را تصحیح کرد و حواشی نوشت و قرار بود در نشر دانشگاهی چاپ شود که تاکنون نشده است. چاپ جدید آن (بدون تصحیح)، بزودی منتشر می شود.

۱۵. نگاه کنید به «بولکای درویش» که درویش خان آن را برای تار و با استفاده از مقام ماهور (به لحاظ شباهتش با گام بزرگ (Major) موسیقی اروپا) ساخته است. درویش خان سرودی هم ساخته که «موزیک ارکان کن حرب فتون» نواخته و کمپانی Pathe فرانسه ضبط کرده است، لیک در دسترس عموم نیست. بولکا (Polka) رقصی با منشاء «نوهسی» و با ضرباهنگی برنجحرک، معمولاً به وزن دوتایی (دوچهار ۴/۲) است که از اوایل سال ۱۸۳۰ در بوهم ریشه



علیقوی وزیر در حال تفریح

گرفت و به سرعت به تمام تالارهای اروپا راه یافت و مورد علاقه بسیار قرار گرفته (رک به زیگموند اسپن). چگونه از موسیقی لذت ببریم، ترجمه پرویز منصور، تهران، زمان، ۱۳۶۸.

بولکای درویش، در ماهور (سی بمل) است که مقام گردانی

(Modulation)های آشکاری به مقام چهارگاه نیز دارد و در حقیقت از اولین نمونه های آهنگسازی ملهم از موسیقی غرب در موسیقی شبه سنتی جدید ایران است. دستنوشته نُت این اثر از استاد فقید موسی معروفی ۱۲۶۸ - ۱۳۱۳ در اثر زیر چاپ شده است:

مجموعه آثار درویش خان به کوشش ارشد طیماسی، تهران، مؤسسه فرهنگی ماهور، ۱۳۶۸، ص ۲۲. سرچلاف افوان رایج، درویش خان بیش از کلنل وزیر (و در حقیقت، ضلابه دار راه او) و نخستین موسیقیدان سنتی ای بود که به خط نُت موسیقی اروپایی آشنایی داشت و در این زمینه آثاری تصنیف کرد. لکن گرایش او به غرب گرایی هیچگاه در هنرش (لااقل در تکنوازی هابش، صفحانش و تعلیم به شاگردان صورت آشکار و غالب نیافت و در سالیان آخر عمر او نیز تعدیل شد. [رک به اظهارات

مدل ۳

نوع و تعداد اثاثیه مدرسه موزیک

میز شاگرد	تیکت شاگرد	میز معلم	صندلی	منبر	تخته سیاه	نقشه جغرافیا نقشه طبیعیات
[باز] زده عدد	باز زده عدد	سه عدد	پنج عدد	-	دو عدد بزرگ و یک عدد کوچک	بیست عدد

نوع و تعداد اثاثیه مدرسه موزیک اثاثیه متفرقه

نوع	عده	نوع	عده	نوع	عده
میز تحریر	دو عدد	بخاری اطاقها	چهار عدد	چمدان جای سیم	یک عدد
جای کاغذ	یک عدد	سه پایه چوبی	بیست و هشت عدد	سه پایه نشیمن	یک عدد
دوات بلور دراز	یک عدد	... مدرسه	یک عدد	تخته زیر بخاری ...	یک عدد
... شیشه کلاس ها	یک عدد	... آهنی	چهار عدد	صحیح است	-
دوات بلور با در بلور	دو عدد	پیانو	-	سالار معزز	-
قلم فرانسه	چهار عدد	فسه های اسباب	پنج عدد	[اضافه شده] در صفحه ۴۱، کل اثاثه	-
... دار	دو عدد	صندوق	یک عدد	[امضای سالار معزز]	-



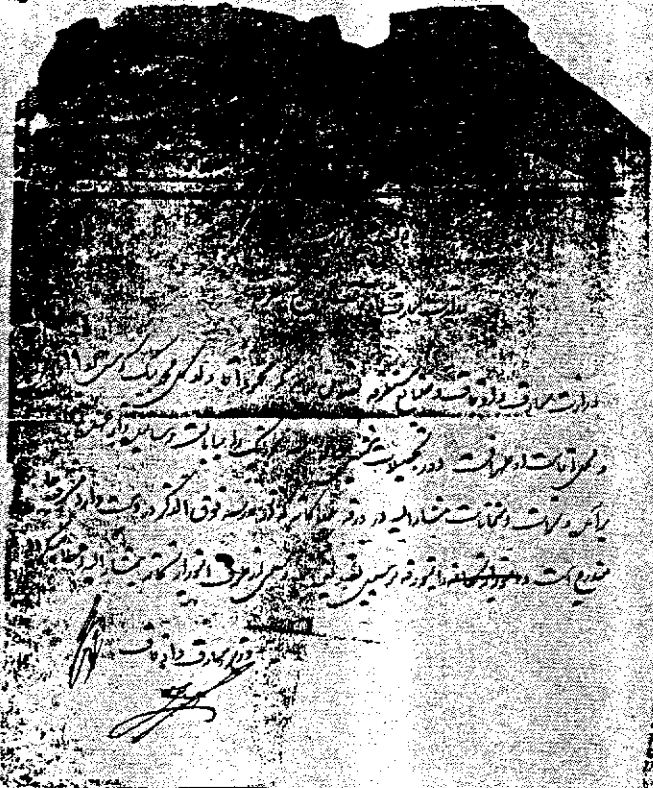
می رفت. عده دیگری، موسیقی ایرانی را دستمایه ای برای قالبهای اجرایی و تکنیک موسیقی اروپایی می دانستند. بیشتر «موزیک نوازان» (از مدرسه موزیک) نسل بعد از نصر السلطان از این دسته هستند و ذکر نامشان بی مورد است. لیکن در میان آنها یک نفر در کار نعادنی ظریف داشت و بسیار خوش سلیقه بود:

حسینعلی وزیری نیار (۱۲۸۵ - ۱۳۳۷) شاگرد نصر السلطان در مدرسه موزیک، نوازنده فرنی و در آهنگسازی شاگرد برجسته مکتب کلنل وزیری بود که معلم هنرستان ملی موسیقی و بزرگترین نوازنده این ساز بود. وی به ویولون و سایر سازهای موسیقی ارشد آشنا و در این رشته متخصص بود. برای اطلاع بیشتر، رک: سیدعلیرضا میرعلی نقی «حسینعلی وزیری نیار» مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (گردآوری حبیب الله نصیری فر)، تهران، انتشارات راد، چاپ اول ۱۳۶۹، صص: ۶۶ - ۷۱.

۳۳. از جمله محمود ایروانی شاگرد نصر السلطان که در این ساز چیره دست بود و تعلیم آن را در مدرسه موزیک به عهده داشت. و نقی دانشور (۱۳۳۹ - ۱۳۸۵) ملقب به اعلم السلطان، نوازنده آلات سادی و شاگرد «دووال» (Duval) فرانسوی در ویولون (دوره لومر در موزیک دارالفنون) وی در کمانچه شاگرد حسین خان اسمعیل زاده بود و نرد میرزا عبدالله ردیفها را فرا گرفت و از اولین تصنیف سازانی است که کلام و آهنگ را نوایمان سروده و آثارش جنبه اخلاقی و اجتماعی نیز داشته است. رک به سرگذشت موسیقی ایران، ج ۱، صص ۲۵۳ - ۲۵۶.

۳۴. مقصود از عبارت «موسیقی ملی» در اینجا، همان برداشتی است که نویسنده مطلب (خالقی) از این نوع موسیقی دارد و در دیگر نوشته های خود، مختصات کل آن را نیز برشمرده است و مراد از این عبارت در این مطلب (که با

سند شماره ۳



سند شماره ۴

تاریخ کتابت	روز	ماه	سال
محل نگارش			
نویسنده			
موضوع			
محل نگهداری			

ولایت همدان  
ادارت ساراف داد و ستد و بیع و شراعت

ادارت ساراف داد و ستد و بیع و شراعت همدان  
در روز شنبه ۱۳۰۱ هجری قمری  
مجلس اول  
حاضرین: ...  
موضوع: ...  
قرارداد ...  
امضا: ...

کتابخانه

برده می شود.

حدود هفتاد سال پیش، بر اثر نفوذ روز افزون روسها در بریگاد فزاق، این ساز نیز وارد ایران شد و ارکستر بالابیکا در ارنس هم تشکیل شد و تا اوایل دهه ۱۳۳۰ هم وجود داشت.

۳۰. پیانو (Pianofort)، ساز اصلی آهنگسازی، همراهی با سازهای دیگر و دارای کمترین شخصیت‌ها رموژیک در موسیقی اروپایی است. در میان مردم بسیار رایج و در موسیقی ضروری است و هر موسیقی‌بانی در هر رشته، ماهر در هر سازی که هست، می‌بایستی نواختن پیانو را حداقل در حد ظرایف نسبتاً مشکل بداند. بیشتر فارغ التحصیلان مدرسه موزیک، از جمله سرپرستهای آنها (سالار معزز و پسرش نصرالسلطان) در نواختن این ساز ماهر بودند.

۳۱ و ۳۲. علب ورود پیانو و ویولون به موسیقی ایرانی (و موسیقی سایر ملل شرق) و اختلاط با آن، امکان تعمیر برده تا تغییر کوک در آنها بود. کاری که در آلات موسیقی بادی (فلوت، فره‌نی، ترومپت و...) امکان پذیر نبود، مگر تا تغییر حالت لب، تعمیر میزان بوسان‌ها و شدت نفس نوازنده و یا الحاق وسایل اضافی به ساز - که به هر حال باعث تحریف صدا می‌شد بیشتر ارزش ذوقی - نفسی (فانتزیک) داشت تا ارزش هنری. در این زمینه نیز دو گرایش اصلی وجود داشت: نخست آنها که موسیقی ردیف را با همه خصوصیات هنری آشکار و نهانش در این سازها جستجو می‌کردند و تا حد امکان به آن نزدیک می‌شدند. از جمله اکبرخان فلوتی و یعقوب خان رشتی (در فلوت) و دیگر شاه‌بیدی و قلی‌خان یاور (در فردنی یا Clarinet) که این دومی افسر موزیک بود و چند صفحه از او باقی است، از جمله آواز همایون که حاوی ساز نتهای اوست و آبتنی از لطافت و رقت است. این عده‌گاه مهارتهای حیرت‌آوری از خود بروز می‌دادند که تا مرز هنر نیز

سند شماره ۱

دولت ایران  
وزارت معارف و اوقاف  
و صنایع مستظرفه

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
کمیسیون معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
کمیسیون معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
کمیسیون معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
کمیسیون معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
کمیسیون معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

سند شماره ۲

دولت ایران  
وزارت معارف و اوقاف  
و صنایع مستظرفه

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
کمیسیون معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
کمیسیون معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
کمیسیون معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
کمیسیون معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
کمیسیون معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۲۰. آثاری نظیر پیش درآمد شوشتری، ماهور و راست پنجگاه از ابراهیم آژنگ (شاگرد لومر و فارغ التحصیل مدرسه موزیک) معروف به ابراهیم ویونوی، شاگرد آقا میرزا حسینقلی و از نخستین بانیان «نبت» ردیف موسیقی با خط نبت موسیقی اروپایی (رک) به سرگذشت موسیقی ایران ج ۱، ص ۲۳۰ - ۲۳۱.

۲۱. سرگذشت موسیقی ایران، ج ۱، صص ۲۰۹ - ۲۳۸.

۲۲. اصول نظری در موسیقی، که از نخستین دروس هر رشته موسیقی است.

۲۳. سلفژ (Solfège) یا «سرایه (سرایس)» خواندن نتهای موسیقی از روی متن مکتوب است.

۲۴ و ۲۵. دیکته موسیقی. سرودن نمودی و مکتوب کردن آن از روی صوت خواننده شده است و هماهنگی (Harmonie) چند صوتی کردن حظ نغمه نا استفاده از صداهای موافق است.

۲۶. شناخت ساختمان و کاربردهای فنی هر ساز را در ارکستر گویند.

۲۷. علم شناخت ماهیت ارکستر؛ به ارتباط اجزای ارکستر با یکدیگر در کلیت کار و اشکال مختلف آن اطلاق می شود که به طور اخص در موسیقی های غیر شرقی مطرح می شود.

۲۸. ارکستر آلات زهی (سازهای زهی - کمانی) به طور کلی عبارت است از: کنترباسها، ویلنسلها، آلتوها و ویولونها که به تناسب، بخش بندی و بخش نویسی و انتخاب عددی شوند.

۲۹. بالالایکا (Balalatika) ساز ملی روس است. از دسته سازهای زهی - زحده ای که کاسه آن مثلثی شکل است، و دسته ای مانند دسته گیتار دارد که سیسهای بی روی آن کشیده شده که در انتهای دسته ناگوشیها کوک می شود. در دسته بالالایکا، چندین نوع از این ساز، از ریز تا بم (سوبرانو - آلتو و باس) به کار



شاگردان کلاس میرزا عبدالله.

موسیقی» به انضمام کتاب رساله ابجدی در کتابت موسیقی (انتر هدايت) در دست انتشار است. برای اطلاع بیشتر رک به: روح الله خالقی؛ سرگذشت موسیقی ایران، ج ۲ صص ۸۱ - ۹۰.

۱۸. درباره غلامرضا خان سالار معزز (مبن ناشیان)، رک به: سیدعبیرضا میرعلی نفی؛ «سالار معزز، مردان موسیقی سنتی و نوین ایران» گردآوری حبيب الله نصیری (فر) تهران، انتشارات راد، ۱۳۶۹، صص ۲۵ - ۲۷ و حسینعلی ملاح، تاریخ موسیقی نظامی ایران، تهران، انتشارات مجله هنر و مردم، ۱۳۵۱.

۱۹. شاخص ترین فرد این گروه، حسین هنگ آفرین (۱۲۵۵ - ۱۳۳۱) بود که به سلطان (سروان) حسین خان هنگ آفرین رشتی یا حسین خان «ر» نیز شهرت داشت. وی علاوه بر تخصص در موزیک نظام و تسلط به ویولون، پیانو و آلات نادی، در سه نواز نیز از شاگردان برجسته میرزا عبدالله بود و از معتبرترین ردیف شناسان عصر خود به شمار می رفت.

آثار ویولون او در اولین دوره ضبط صفحات ایرانی به همراه آواز سید حسین طاهرزاده (۱۲۹۰ - ۱۳۳۴) و دیگر هنرمندان مشهور آن عصر باقی مانده است. سالار معزز، نغمه های ماهور را که بعد به خط نبت موسیقی اروپایی نوشت از هنگ آفرین فرا گرفت. درباره او رک به: سرگذشت موسیقی ایران، ج ۱، صص

حسن وثوق الدوله رئیس الوزراء وقت، در سخنرانی به یاد درویش خان: جمله درویش ناهید، س ش (آذر ۱۳۰۵) همچنین رجوع کنید به ساحتنهایی چون تصنیف ماهور برای بیانو (از سالار معزز) که در آن، الحان موسیقی اصیل ایرانی در تکنیک های اجرایی موسیقی غربی «مصادره به مطلوب» شده (چاپ مجدد در قباله تاریخ به کوشش ایرج افشار، تهران، طایفه، صص ۴۰۷ - ۴۲۴) و از آنجا که حفظ اصالتهای سری در هر مقامی مدنظر بوده، این مصادره کاملاً یکجانبه نبوده است. از جمله، تغییر برده های بیانو (با تغییر کوک) به طوری که رنگ و حال و هوای موسیقی ایرانی را بدهد. در نبت چاپ شده سالار معزز که پیش درآمد جدید بیات اصیل را اثر رکن الدین مختاری برای بیانو تنظیم کرده، ذیل صفحه عنوان، علت این تغییر کوک را به روشنی و سادگی هر چه سائمر ذکر کرده است.

۱۶. درباره درویش خان رک به: سیدعبیرضا میرعلی نفی، درویش خان نصیری فر، حبيب الله... مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، تهران، انتشارات راد، چاپ اول، ۱۳۶۹، صص ۴۷ - ۴۳.

۱۷. درباره گرایشهای بحر حفظه نهادیت در موسیقی، هنوز کتاب مستثنی نه چاپ نرسیده است. خلاصه ای از این مطالب در کتابی به نام هدایت و



سه آقا حسینقلی استاد تار

نوشته خالقى حدود چهل سال فاصله دارد)، مفهوم دقیق امروزی آن نیست.

۳۵. شرح مراحل این «تحنون» را نویسنده در جلد دوم کتاب سرگذشت موسیقی ایران آورده است (همچنین رک به ص ۳۴)

۳۶. مارش (March) شکنی از موسیقی است که اساساً به قصد تفریح و تحریک حس حفظ نظم در راه رفتن یک گروه (بخصوص سربازان) نوشته می شود و به همین علت، وزن مشخص و ساده و جمله بند بیای کوتاه و صریحی دارد.

۳۷. به عبارت دیگر، «هارمونیزه کردن» و یا چند صدایی کردن آن تعینه، مطابق رسوم بخش نویسی و صداگذاری که از روی قوانین روشن و مشخص موسیقی کلاسیک اروپایی انجام می شد. اگر این کار با نوعی تنظیم (Arrangement) هم همراه می شد، اصطلاحاً آن را «آرآنژه کردن» می گفتند.

۳۸. رهبری (Dirigation یا Conducting) و یا به قول قدیمی ها «دیریزه کردن»، هدایت کردن ارکستر را با حرکات دست و چوبدستی ویژه گویند. ۳۹. در هنرستانها و مدارس موسیقی، هر هنرجو یک ساز را، ساز تخصصی (اصولی) خود انتخاب می کند و پیانو ساز دوم و اجباری اوست. که هم برای همراهی با ارکستر، آواز و سازهای دیگر و هم برای مطالعه عملی فنون آهنگسازی، هماهنگسازی و بخش نویسی، لازم است.

۴۰. پیشینه‌بانی (Accompagnement)، همراهی کردن ساز یا آوازی را با ایجاد نغمات موافق و هماهنگ (معمولاً با پیانو یا ارگ) گویند. ۴۱. رکن الدین خان مختاری (۱۲۷۰ - ۱۳۵۳) یا سر پاس مختار، از پدیده‌های عجیب موسیقی معاصر ایران است که گذشته از سوابق قابل مطالعه در سیاست (دوره بیست ساله رضاشاهی) تبحر

شایان ملاحظه‌ای در نوازندگی و ویولون و ذوق سرشار و استثنایی در آهنگسازی داشته است. او را با درویش خان مقایسه کرده‌اند و تنها کسی است که هم در شیوه‌های (نسبتاً) خالص سنت قدیم هنری، هم در موسیقی نوین ایران و هم در موسیقی نظام جای دارد. معذودی از آثار او را سالار معزز برای پیانو تنظیم و در دهه ۱۹۱۰ به چاپ رسانده است. درباره او نگاه کنید به روح الله خالقی، سرگذشت موسیقی ایران ج ۱، صص ۶۸، ۸۷، ۲۳۵، ۲۴۷، ۳۱۱، ۳۳۴، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۵۶، ۵۰۰. و نیز: مجموعه آثار رکن الدین خان، به کوشش ارشد تهماسبی، تهران، مؤسسه فرهنگی ماهور، چاپ اول ۱۳۷۰. شامل نت آثار رکن الدین مختاری و نیز:

۴۲. این پیش درآمد را سالار معزز برای ویولون به خط نت اروپایی نوشته که چاپ شده است. چاپ جدید آن در «قباله تاریخ» (به کوشش ابرج افشار) صص ۴۲۷-۴۲۹ است. «پیش درآمد جدید ماهور» ساخته رکن الدین خان را نیز سالار معزز برای پیانو تنظیم کرده و نت آن به سال ۱۳۴۰ قمری (۱۳۰۱/۱۹۲۲ م) منتشر شده است. چاپ جدید در «قباله تاریخ» صص ۴۰۷ - ۴۱۳.

۴۳. همان رهبری و «درژه» کردن نگاه کنید به ۳۸

۴۴. سرگذشت موسیقی ایران، ج

۱. صص ۲۳۹ - ۲۳۸

۴۵. همان، ۲۳۸.

۴۶. همان ص ۲۳۸ و حسینعلی ایران تهران، انتشارات مجله هنر و مردم، ۱۳۵۴، بحث آخر.

۴۷. همان صص ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۳۸

۴۸. همان، ص ۲۳۸.

۴۹. رک: حسن شیروانی: به یاد حسن رادمرد، تهران، اداره کل انتشارات و آموزش هنری، ۱۳۵۷، ص. مصور.

۵۰. رضا گلشن (۱۲۹۸ - ۱۳۶۹)

زاده محسنه بازار تهران، فرزند میرزا اسماعیل گلشن بود که در دسته موزیک ارتش در فوج نادری (سال ۱۳۱۰) ترومپت می نواخت. او به مدرسه موزیک که ریاست آن بر عهده سالار معزز بود وارد شد و فلوت (و بعدها قره‌نی Clarinet) آموخت. گلشن، شاگرد محمود ابروانی که وی نیز از شاگردان سلیمان خان (از بهترین شاگردان لومر) بود. رضا گلشن بعد از پنج سال تعلیم به سرپرستی دسته موزیک نظامی عباس آباد منصوب شد و در سال ۱۳۳۶ بازنشسته گردید. وی در رادیو نیز به ساحتن موسیقی های پرشونده و بینکنوازی مشغول بود و با جوانان گان روز همکاری داشت. برای اطلاع بیشتر، رک به: «رضا گلشن (راد)»، «مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (به کوشش حبیب الله نصیری فر)، تهران،

مدل ۴  
صورت لا براتوار کتا بخانه مدرسه موزیک در آخر سال تحصیلی جو زای سچقان ثیل ۱۳۰۳

نمره	اسامی اشیاء	عده	ملاحظات
۱	ویولون (اسباب زه)	۱۶ عدد	شش عدد آن نو و در برج سنبله ۱۳۰۲. ابتیاع شده است. یک عدد آن ساخت ایران و غیر مستعمل و ۹ عدد آن تمام کهنه و شکسته و تعمیر شده است. تمام کهنه و مستعمل و شکسته
۲	ویولون سل (اسباب زه)	پنج عدد	
۳	ویولون آلتو (اسباب زه)	پنج عدد	
۴	ویولون کنترباس (اسباب زه)	چهار عدد	
۵	کمان ویولون	بیست عدد	شش عدد آن باشش ویولون مذکور در فوق خریده شود تعمیر شده است
۶	کمان ویولون سل	پنج عدد	دو عدد آن بی سر و خراب است
۷	کمان کنترباس	چهار عدد	
۸	هوبوا (اسباب بادی)	دو عدد	
۹	قره نی بزرگ کم کلید (اسباب بادی)	سه عدد	
۱۰	فلوت بزرگ (اسباب بادی)	یک عدد	
۱۱	پیستون (خوانانیت)	چهار عدد	تمام قراضه و لحیم شده است
۱۲	ترم بت (ترومپت (اسباب بادی)	سه عدد	تمام قراضه و لحیم شده است
۱۳	ترم بن (اسباب بادی)	دو عدد	
۱۴	مُر	دو عدد	
۱۵	آلتو [ترومبون]	یک عدد	
۱۶	فلوت کوچک اسفاط	یک عدد	
۱۷	طبل بزرگ و کوچک	سه عدد	
۱۸	مثلث	یک عدد	
۱۹	سنج	دو زوج	
۲۰	نامبور دو باس (?)	یک عدد	
۲۱	زنگ و زنگوله	سه عدد	
۲۲	فانسفه چرمی	سی و هشت عدد	اسفاط و شکسته
۲۳	جعبه ویولون	دوازده عدد	
۲۴	جعبه ویولون سل	پنج عدد	
۲۵	...اسباب زه	هفت عدد	
۲۶	(ویولون - ویولون سل - ویولون کنترباس) ...های اسباب های بادی	بانزده عدد	تمام...ها پاره و مستعمل است و باید عوض شود
۲۷	...های پیانو	پنج عدد	صحیح است
۲۸	...سلفژ با پیانو	یک عدد	سالار معزز



انتشارات راد، چاپ اول، ۱۳۶۹، صص ۱۲۹ - ۱۳۰ و همچنین سید عنبرضا میرعلی نقی، رضا گلشن (راد)، آبیسه، ش ۱ - ۱۴ (فروردین - تیر ۱۳۷۰) صص ۱۹۷ - ۱۹۸.

۵۱. کیمساریا، اصطلاح رایج قدیم بود برای محلی که امروزه آن کلانتری می گویند.

۵۲. رک به تاریخ موسیقی نظامی ایران.

۵۳. در اصل: نام خانواده.

۵۴. مین باشیان کنیه خانواده سالار معز بود. تنها عضو این خانواده که نام خانواده‌گی دیگری برگزید، عزت‌الله مین باشیان، فرزند نصرالسلطان بود که خود از موسیقیدانان و نوازندگان ویولون بود و بعدها به ریاست اداره کل هنرهای ربابی کن کشور منصوب شد. وی پس از ازدواج با شمس پهلوی، نام خود را به مهرداد پهلبد تغییر داد که برگرفته از نام پهلبد (پهلبد) موسیقیدان دوره ساسانی است.

۵۵. معادل سال ۱۲۸۷ ش (۱۹۰۸).

۵۶. درباره دارالفنون و دسته موزیک آن رک به سرگذشت موسیقی ایران، ج ۱، صص ۲۰۹ - ۲۳۳.

۵۷. منظور از «موسیقی انسرو ماناسیون» (Masiqie des Instrumentation) «موسیقی سازی» است، لیکن مراد از آن در این فهرست، لافل با ملحوظ داشتن دیدگاههای امروزی، چندان مشخص و معلوم نیست.

۵۸. نصرالله خان، فرزند سالار معزز و ملقب به نصر السلطان است که به تئوبی بدو، در کنسرو انواربنروگراد (روسیه)، نوازندگی ویولون و آهنگسازی را آموخت و به فن نوازندگی بیانو نیز تسلط یافت. اسناد وی نیکلاریسکی کورساکف (۱۸۴۴ - ۱۹۰۸) آهنگساز

بزرگ روس بود. شرح حال کامل او در کتاب تاریخ موسیقی نظامی ایران آمده است. وی در مدرسه، تعلیم سازهای کمانی (اسباز) و بیانورا برعهده داشت.

۵۹. این گونه افراد که معمولاً از میان میرزاها و منشی‌باشیهای قدیم انتخاب می شدند، تحصیلات قدیمه داشتند. (بنابر گفته آقای عبدالله طالع همدانی).

۶۰. در اینجا اصطلاح «مثنای» به معنی معلم و خط و خوشنویسی است و نه معلم نوازندگی و «پنجراه انداز» در اصطلاح موسیقی سنتی قدیم، به معلمین ردیف، مثنای گفته می شد.

۶۱ و ۶۲. محمد انصاری از فارغ التحصیلان دوره دوم مدرسه موزیک بود (سرگذشت موسیقی، ج ۱، صص ۲۳۸) و مقصود از «تناسب (!؟) موسیقی کلاس دوم» تدریس مبانی نظری (تئوری) موسیقی غربی است.

۶۳ و ۶۴. سید احمد خواجه شاه شهید به احتمال قوی همان احمد نورانی است که به گفته خائقی، تدریس سلفز (سرایش Solfege) را در مدرسه برعهده داشت. رک به بانویس ۴۵ و سرگذشت

موسیقی، صص ۲۳۸. احتمالاً وی بعد از تصویب قانون احتیاج نام فامیلی، نام نورانی را برای خود انتخاب کرده است.

۶۵ و ۶۶. ضیاءالدین مختاری (۱۲۸۲ - ۱۳۵۴) نیز از جمله کسانی است که هم در موسیقی نوین ایران و هم در موزیک نظام صاحب نام و مرتبه است. وی سببهای فرهنگی متعددی داشته و در کنار آهنگسازی مدنی نیز سرپرست یکی از فستیهای رادیوی تهران بوده است.

در شماره او رک: ضیاء مختاری، مجله موسیقی راد بو ایران، ش ۳۰ (تیر ۱۳۳۹) صص ۱۷، ۱۳. ضیاء مختاری بعدها به اتفاق ابوالحسن صبا و یکی دو تن از خوانندگان گمنام سال‌های ۱۵ - ۱۳۰۵ به ضبط صفحه و اجرای تصانیف کمیک پرداخت. [تصنیف «گلندک» و ... در صفحات کلمبیا] در سالهای دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ نیز در شورای موسیقی رادیو تهران، منحصرأ به کار موسیقی باب و تنظیم آهنگ برای «ارکستر جوانان» مشغول شده کتاب کوچک هم در آموزش «تئوری» موسیقی از او به چاپ رسیده است.